

ترویج کارآفرینی

توسعه اشتغال

مهندس محمود صانعی پور (رئیس کمیته علم و فناوری مجمع تشخیص مصلحت نظام)

می توان از وجود اشتغال صحبتی به میان آورد که به بازار پیدا نماید.

■ طبق گفته شما، کسب و کار جدید ممکن است تفکر ما را نسبت به کسب و کارهای جدید تغییر دهد و یا رویکردهای جهانی را نسبت به این قضیه عوض نماید. ممکن است این مساله را با ذکر مثال مورد ارزیابی قرار دهید؟

بهترین نمونه حوزه یا به عبارت دقیق و علمی تر "خوشه" کشاورزی و صنایع مرتبط با آن که عمدتاً صنایع غذایی را در بر می گیرد، است. این خوشه بسیار مستعد و با مزیت‌های نسبی کشور تطابق کافی دارد. در حال حاضر هم سهم تولید ناخالص داخلی کشاورزی کشور از سایر خوشه ها بیشتر است. این پتانسیل عظیم و بزرگی که ما در کشور برای ۵۲ میلیون هکتار زمین در اختیار داریم احتمالاً در هیچ خوشه دیگری وجود ندارد. بهتر است بررسی کنیم که از این منابع وسیع چگونه استفاده و بهره برداری شود.

از چند میلیون تن سبزی که با آلودگی و ضایعات فراوان وارد منازل می شود ۸۰ درصد آن دور ریخته میشود این امر به معنای وجود هزینه های

سربار در کشور است. یا در مورد پرورش بوقلمون متأسفانه هنوز جوجه بوقلمون از سایر کشورها وارد می شوند و ما هنوز پرورش بوقلمون به شیوه علمی را در کشور نداریم. در صورتیکه از تمام اجزای بوقلمون مانند سایر حیوانات نظیر گوسفند، گاو و... می توان استفاده بهینه برده و زمینه ساز اشتغال صدها جوان شود.

نکته اینجاست در شرایطی که صنعتی مانند کشاورزی مدرن حداقل ضایعات را دارد چرا در کشور میزان ضایعات حاصل از کشاورزی رقم قابل توجهی را به خود اختصاص می دهد؟ زیرا هنوز نمی دانیم چگونه از پتانسیلهای عظیم موجود در کشور استفاده کنیم، هنوز کسب و کارها در این مورد تعریف نشده است تا خطوط و زنجیره تولید برای آن در نظر گرفته شود.



می توان اظهار داشت کارآفرینی از حوزه مباحث تئوری و مباحثی که بیشتر مربوط به دانشگاه ها و مراکز علمی است یا را فراتر نگذاشته و به بازار کار راه نیافته است. به همین دلیل اکثر ایده ها و تحقیقاتی مبتنی بر آن و حتی محصولاتی که در مراکز رشد تولید می شوند حالت بازاری پیدا نکرده اند تا منجر به ایجاد اشتغال شوند. زمانی می توان از وجود اشتغال صحبتی به میان آورد که به بازار پیدا نماید.

حوزه‌های جدیدی از کسب و کار توسط کارآفرینان خلق می شود. کارآفرینان نیازها را درک می کند، بر اساس آن فرصتهای شغلی را مورد شناسایی قرار می دهند و کسب و کارهای جدید را بر پایه اشتغال فراهم می نمایند.

می توان این بحث را به نحوی دیگر مورد بحث قرار داد. هنوز موضوع کارآفرینی با این تعابیری که به آن اشاره شد جایگاه خود را پیدا نکرده است. عبارت دیگر می توان اظهار داشت کارآفرینی از حوزه مباحث تئوری و مباحثی که بیشتر مربوط به دانشگاه ها و مراکز علمی است یا را فراتر نگذاشته و به بازار کار راه نیافته است. به همین دلیل اکثر ایده ها و تحقیقاتی مبتنی بر آن و حتی محصولاتی که در مراکز رشد تولید می شود حالت بازاری پیدا نکرده اند تا منجر به ایجاد اشتغال شوند. زمانی

اشتغال در آینده چگونه خواهد بود؟ پیرامون وضعیت اشتغال در ایران نگرشهای متفاوتی وجود دارد. این مطلب که اظهار می شود دولت موظف به ایجاد فرصتهای شغلی و اشتغال بیکاران می باشد از یک بعد قابل قبول است اما از بعد دیگر باید پرسید آیا برای این مهارتهای قدیمی تولید شده می توانیم شغلی ایجاد کنیم یا خیر؟

اصولاً توسعه نیازمند وجود مهارتهای نوین است و روند توسعه کشور و زیرساختهایی که بتدریج شکل می گیرد در تعامل با اقتصاد جهانی قرار دارد. بطورکلی می توان از نظر فلسفی مساله اشتغال را این گونه تبیین کرد که تغییرات چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی تغییرات زیادی در سطح ملی ایجاد می کند و این تغییرات نیازهای اجتماعی ما را تغییر می دهد. با تغییر نیازهای اجتماعی در ایجاد سبب مصرف که جامعه از آن تبعیت می کند یا خواهان آن است باید سببی به نام "سبب کسب و کار جدید و متناسب با آن ایجاد شود. البته این بحث هنوز جایگاه خویش را پیدا نکرده و شاید هنوز در بسیاری از وزارتخانه ها و دستگاه ها مورد غفلت قرار گرفته است. سبب کسب و کار جدید را می توان تحت عنوان کارآفرینی بررسی کرد. بدین معنی که

مشکل اشتغال را در شیوه های مدیریتی می داند که قادر نیست سرمایه های انسانی را به جهتی رهنمون سازند که به ایجاد ثروت و اشتغال منجر شود. به اعتقاد مهندس صانعی پور، دولت موظف است بطور مستقیم وارد مقوله اشتغال نشود بلکه باید به فکر ایجاد زیر ساخت های نرم افزاری باشد. پیرامون جایگاه اشتغال در کشور و مسائل مربوط به آن با رئیس کمیته علم و فناوری دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام گفتگویی انجام دادیم که ملاحظه می کنید.

■ همانطور که مستحضرید برنامه های متعددی پیرامون اشتغال در حال برنامه ریزی یا اجرا می باشد، اگر چه با توجه به حجم وسیع جوانانی که نیازمند اشتغال هستند ممکن است کافی نباشد. محور اصلی این گفتگو در مورد اشتغال، ایجاد فرصتهای جدید شغلی با تکیه بر بخش خصوصی است زیرا به نظر می رسد دولت در این زمینه به حد اشباع رسیده است. در حال حاضر وضعیت اشتغال در کشور چگونه است و بطور کلی

این مساله در معدن نیز مصداق دارد. یکی از معادن کشور پس از ۵۰ سال تنها بصورت یک حفره بزرگ درآمده است در حالیکه می توانست مورد بهره برداری گردشگری قرار بگیرد بدین صورت که به صورت حوضچه آمده برای ذخیره آب، ایجاد فضاهای گردشگری جهت جذب توریست در نظر گرفته شود. مثال از این قبیل فراوان است. خوشه هایی وجود دارند که با توجه به مزیت های نسبی کشور و مشروط به اینکه مزیت های رقابتی و جذابیت ایجاد شود می توانند منجر به تولید ثروت و زمینه ساز اشتغال افراد گردند.

اصولا کشور باید رویکردی تحت عنوان "تولید ثروت" را لحاظ نماید. تولید ثروت باید یکی از مولفه های توسعه قرار گیرد. در حال حاضر دولت سعی می نماید منابع خود را صرف بحث اشتغال کند معمولا دولتها با فشار اجتماعی بدنبال حل مسائل و تخصیص منابع هستند. این فشار باعث می شود دولت امکانات و قابلیت های کشور را برحسب این انتظارات بکارگیرد در حال حاضر، مصوبه دولت مبنی بر اختصاص یک میلیون هکتار به عنوان طرح (طوبای ۲) به متقاضیان حرکتی در خور شایسته می باشد. ما سالانه به حدود ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در کشور نیاز داریم که این امر مستلزم تشویق و تقویت بخش خصوصی است. البته باید اشاره کنیم که چنین امری حالت کارآفرینی و کارآفرینانه دارد. دولت باید بیش از این برای کارآفرینی فرصت هایی را اختصاص دهد بدیهی است کارآفرینی کار هر کسی نیست. کارآفرینی از مشخصات و ادبیات بسیار روشنی در طول تاریخ برخوردار است. پس از تشخیص کارآفرین باید اقداماتی جهت تقویت وی صورت پذیرد. در حال حاضر وزارت کار اقدام به صدور مجوز تاسیس هلدینگ نموده که امری مثبت به نظر می رسد اما باید دقت داشت که هلدینگها به سمت و سوی افرادی که کارآفرین نیستند هدایت نشود تا منابع را از بین نبرند. لازم میدانم اشاره کنیم که از هلدینگها می توان بعنوان ابزار چند منظوره استفاده کرد. به نظر می رسد ادبیات کارآفرینی هنوز ترویج نشده است. کارآفرین، باید دارای قدرت ریسک، نیروی کار و تلاش و آرزمنخواه باشد کارآفرین به میهن خود علاقمند است و از منابع موجود حداکثر استفاده بهینه را بعمل می آورد. البته مشخصات کارآفرینی فراتر از این است. بالفعل نمودن این مشخصات نیازمند آموزش است تا چه میزان دانشگاه های ما به آموزش کارآفرینان می پردازند اصلا مرکز ارائه آموزش کارآفرینی کجاست؟ و دوره های آن چیست؟ و نحوه مراجعه کارآفرینان برای آشنایی با فرصت او کسب و کار جدید چگونه است باید این مسائل حل شود.

■ به این مطلب اشاره داشتید که مشکل اشتغال ما مشکل سرمایه های مدیریتی ماست که قادر نیستند سرمایه های انسانی را به جهتی رهنمون سازند که به

اگر این عقیده صحت دارد که اشتغال در گرو توسعه است پس دولت موظف است بطور مستقیم وارد مقوله اشتغال نشود بلکه باید به فکر ایجاد مبانی و زیرساختها باشد. تجربه نشان داده ارائه ارقام کوچک یا فعالیت های مقطعی نتوانسته به ایجاد اشتغال منجر شود اما اشتغال در مسیر توسعه کشورها منجر به ایجاد اشتغال های پایدار شده است علی الخصوص در مواردی که بحث اشتغال به مشاغل در آینده یا مهارت های مورد نیاز یک توسعه علمی باز می گردد.

ایجاد ثروت و اشتغال منجر شود. به عقیده شما آیا مشکل سرمایه های انسانی ما هستند که مهارت ندارند و در حوزه های مختلف متناسب با بازار کار تحت آموزش قرار نگرفته اند؟ آیا مشکل مادی وجود دارد که نتوانسته ایم کسب و کار ایجاد کنیم؟ در یک جمله فکر می کنید زمینه مشکلات مدیریتی سرمایه های انسانی و مهارت ها است یا منابع مالی؟

بنده عمدتا این موضوع را متوجه مدیریت می دانم. دو بخش دیگر که تحت عنوان سرمایه انسانی و سرمایه از آنها یاد می شود مربوط به مدیریت است. در واقع مدیریت آمیزه ای است که عهده دار رشد و تعالی پتانسیل های کشور می باشد. مدیریت هماهنگ کننده سایر عوامل است. مدیریت ما هنوز در حد و اندازه های لازم به ادبیات کسب و کار جدید یا آنچه منتج به کسب و کارهای جدید و تجاری کردن آن می شود، قرار نگرفته است. برای مثال طرح کاراد در نظر بگیرید که زحمات زیادی برای آن بعمل آمده و مورد تصویب هیات دولت قرار گرفته است. بر اساس آن دانشگاه ها باید مراکز کارآفرینی ایجاد نمایند و دانشجویان را با فرهنگ کارآفرینی آشنا نمایند. در سال ۱۳۷۹، ۱۲ دانشگاه تحت پوشش این طرح قرار گرفت و به تدریج به تعداد آنها افزوده می شود. در سال جاری نیز وزارت کار با سایر وزارتخانه ها موافقت نامه هایی را مبنی بر راه اندازی دفاتر کارآفرینی در وزارتخانه ها منعقد می نماید. اما به نظر می رسد این فعالیت ها حالت بوروکراسی دارد و هنوز راهکار سریع و موثری برای ایجاد کسب و کارهای جدید اتخاذ نشده است.

بودجه ای در سال ۷۹ بالغ بر ۶۰۰ میلیون تومان برای تمام دانشگاه ها اختصاص یافته بود که تنها صرف چند اتاق و میز و تحقیقات مختصر شد و نتیجه ای هم در بر نداشت. سال بعد این رقم

به یک میلیارد تومان افزایش یافت که آن نیز به نتیجه ای منجر نشد و بدیهی است که اصولا کارآفرینی مورد برداشت صحیح واقع نشده است. کارآفرینی در کشور اواسط سال ۸۴ و ۸۵ فضا

یافته است و بتدریج مشام ما به کارآفرینی آشنا می گردد. اما هنوز مورد استثمات جوانان قرار نگرفته است. باید مکانی وجود داشته باشد که به جوانان در مورد کارآفرینی و خلق یک کسب و کار جدید مشاوره دهد. باید به جوانان نحوه حداکثر استفاده از فرصتها آموزش داده شود تا مشخص شود که چه باید کرد تا جایی که تمام عناصر و پروژه ها برای کارکردهای اجتماعی و رفح نیازهای اجتماعی متقاضیان تعریف شود.

در کشور ایجاد حوزه های جدید کسب و کار، توسعه چه در مفهوم توسعه اقتصادی یا فرهنگی مورد ساماندهی قرار نگرفته است. اقدامات نیمه تمامی را شروع کرده ایم اما یک زنجیره ملی برای رسیدن به کسب و کار جدید را فراهم نکرده ایم. تمام این مباحث ناشی از مدیریت می شود و ارتباط چندانی با موضوع سرمایه ندارد.

■ **مبحثی که در صحبت های شما آشکار است این نکته می باشد که اشتغال باید توسط بخش خصوصی ایجاد شود و کارآفرینی باید به ایجاد ثروت اقدام نماید چنین امری مستلزم آن است که بخش خصوصی توانمندی داشته باشیم در صورتیکه قوانین ما ضد تولید و بخش خصوصی است و تا چنین قوانینی وجود داشته باشد نمی توان به ایجاد اشتغال توسط بخش خصوصی امیدوار بود. به عقیده شما چگونه می توان این تناقض را مرتفع کرد؟**

می خواهیم کارآفرینی را گسترش دهیم اما قوانین



موجود در کشور این اجازه را نمی دهد. در این مورد باید بررسی کرد که آیا ایجاد اشتغال وظیفه دولتهاست یا امری می باشد که بر اساس توسعه اقتصادی، فرهنگی و بطور کلی مفاهیم توسعه راه خویش را باز می کند. آیا دولت در هر شرایطی موظف به ایجاد اشتغال است یا باید زمینه هایی را برای بوجود می آید سرمایه گذاری جهت رشد و توسعه در کشور فراهم نماید که بطور ذاتی مشکل اشتغال نیز رفع گردد؟ به عقیده اینجانب اشتغال در چرخه سرمایه گذاری کسب و کارهای جدید مشخص است که هرچه سرمایه گذاری بیشتری صورت بگیرد و پتانسیل های بالقوه مبدل به نیروهای بالفعل شوند شغل ایجاد می شود ممکن است حتی به جایی برسیم که مجبور شویم مانند کشورهای پیشرفته نیروی کار را از خارج از کشور فراهم نماییم. اگر این عقیده صحت دارد که اشتغال در گرو توسعه است پس دولت موظف است بطور مستقیم وارد مقوله اشتغال نشود بلکه باید به فکر ایجاد مبانی و زیرساختها باشد. تجربه نشان داده ارائه ارقام کوچک یا فعالیت های مقطعی نتوانسته به ایجاد اشتغال منجر شود اما اشتغال در مسیر توسعه کشورها منجر به ایجاد اشتغال های پایدار شده است علی الخصوص در مواردی که بحث اشتغال به مشاغل در آینده یا مهارت های مورد نیاز یک توسعه علمی باز می گردد.

اگر بناسد کشاورزی و صنایع غذایی را توسعه دهیم و به عنوان نخستین صنعت موفق در WTO وارد شویم و آنرا در برهه کل قرار دهیم بدین معناست که باید تمام راهکارهای سرمایه گذاری و مهارت های لازم را فراهم کنیم و با سیستم کشاورزی مدرن پیش روییم نه کشاورزی سنتی، بدین صورت به جای اینکه مهاجرت از روستاها به شهر صورت گیرد فضای روستاها به اندازه ای مساعد شود که جوانان را جذب نماید. چون جوان لیسانسه به روستا نمی رود و با ابزارهای ساده به کشاورزی نمی پردازد قطعا مشکلاتی سر راه ایجاد می شود اما آیا امری را سراغ دارید که با مشکلات خاص خود مواجه نباشد؟ اگر قرار باشد مدیرتها به سوی فعالیتها و امور آسان و بدون مشکل پیش رود به این معناست که باید قید کار و تلاش را زد و به استراحت پرداخت. هر فعالیتی که باعث گسترش توسعه می شود، از ایران کشوری توسعه یافته خلق می کند، مستلزم تلاش، کوشش و تعمق است. باید تلاشهایمان را به سمتی جهت دهیم که منجر به ایجاد بسترهای اشتغال شود نه اینکه مستقیم به سمت ایجاد اشتغال حرکت کنیم. در سالهای اخیر جهت گیری دولت کمتر به این صورت بوده هرچند در مواردی نیز شاهد بودیم که مستقیما در جهت ایجاد اشتغال گام برداشته است.

یعنی دولت باید قوانین را تسهیل نماید تا بخش خصوصی به ادامه حرکت و ایجاد اشتغال تشویق شود؟

دقیقا باید به نحوی عمل نماید که موانع پیش روی فعالیت بخش خصوصی را به حداقل برساند. در

